

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Theoretical Analysis of the Concept of Place and Place Management in a New Approach to
Criminology of Place
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

واکاوی نظری مفهوم مکان و مدیریت مکان در رهیافت نوین جرم‌شناسی مکانی*

مرتضی بیابانی^۱، محمد بهزادپور^۲، میترا کلانتری^{۳*}، محمدرضا جلالی^۴

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

۲. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، واحد هشتگرد، دانشگاه آزاد اسلامی، هشتگرد، ایران.

۳. استادیار گروه معماری، واحد پروفسور حسابی، دانشگاه آزاد اسلامی، تفرش، ایران.

۴. استادیار گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰

چکیده

بیان مسئله: چالش ناامنی، یکی از پردوام‌ترین دغدغه‌های زندگی شهری در طول زمان بوده و امنیت نیز یکی از شاخص‌های مهم کیفیت زندگی است. در این میان دانش جرم‌شناسی، جرم‌شناسی محیطی و رویکردهای موقعیت‌محور پیشگیری از جرم تحولات مختلفی داشته‌اند. تحلیل‌های خرد و مکان‌محور از جرایم شهری یکی از راهبردهای نوین در پیشگیری از جرم است. بر این اساس هم‌اکنون، مفاهیمی همانند «مکان» و «مدیریت مکان»، نقش ارزشمندی در جرم‌شناسی یافته‌اند که کم‌تر بدان توجه شده است. در قرائت‌های کنونی از مکان مفهوم مکان تقلیل به قرائت‌های سنتی کلان مقیاس و میانی مقیاس آن شده و از سوی دیگر تکنیک مدیریت مکان در انزوای معرفی نظری و کاربست تجربی در بین متون داخلی قرار دارد.

هدف پژوهش: هدف از این مقاله، شناخت نظری دو مفهوم کلیدی یاد شده در قالب یک نظام طبقه‌بندی صحیح معرفتی همسو با دانش جرم‌شناسی محیطی و جرم‌شناسی مکان است.

روش پژوهش: رویکرد تحقیق، کیفی و ناظر بر مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیل اسنادی است. راهبرد تحقیق ناظر بر استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی ثانویه در جهت کشف، استخراج، طبقه‌بندی در سه حوزه مفهومی پایه‌ای مطالعه شامل مفهوم مکان، مفهوم مدیریت مکان و رویکرد جرم‌شناسی مکان است.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان داد، مفهوم مکان در ادبیات تخصصی و بین‌رشته‌ای جرم‌شناسی دارای دو سطح قرائت سنتی و قرائت نوین هستند. هم‌چنین، در قرائت‌های نوین جرم‌شناسی مکانی، «مکان»، از منظر جرم‌شناسی حداقل در سه حوزه «رشد مفهومی»، «رشد دانشی» و «رشد سودمندی» عمیقاً جهش داشته و نیازمند خوانش یکپارچه است. بر این اساس مکان و «مدیریت مکان»، نیز حداقل از سه زاویه «نظریه‌های مکان‌محور جرم‌شناختی»، «نظریه‌های پیشگیری از جرم» و «نظریه‌های عملیات پلیسی» قابل ردیابی علمی است. در مجموع در این مطالعه، با موقعیت‌یابی نظری؛ نظام معنایی=مفهومی مکان و شبکه عینی آن واکاوی و تفسیر شد.

واژگان کلیدی: امنیت، پیشگیری از جرم، جرم‌شناسی مکانی، مکان، مدیریت مکان.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه، بسیاری از کارشناسان و مدیران شهری معتقدند

که در هزاره سوم و عصر آینده بشر بسیاری از قلمروهای عینی و ذهنی محیط آینده زندگی انسان در شهرها و

دکتر «میترا کلانتری» و مشاوره دکتر «محمدرضا جلالی» در دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است. * نویسنده مسئول: Mitra 582001@yahoo.com، ۰۹۳۹۵۹۲۴۰۱۰

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مرتضی بیابانی» تحت عنوان «تبیین نقش فضاهای معماری در تجلی مفهوم جرم و جنایت در سینما (نمونه موردی: سینمای آلفرد هیچکاک)» است که به راهنمایی دکتر «محمد بهزادپور» و

کلان شهرها و شهرنشینی‌های گسترده متعاقب آن روی خواهد داد. پیامد این شهرنشینی وسیع، علاوه بر امکان برخورداری از کیفیت بهتر زندگی، چالش‌ها و مخاطرات شناخته‌شده‌ای همانند «جرم» و نبود «امنیت» و «نامنی» در کنار چالش‌های دیگری همانند بیماری‌های فراگیر ویروسی، حوادث تروریستی و یا جنگ‌ها است. بر این اساس، امنیت از یک‌سو، همواره با تمدن، شهرنشینی، شهرها و فضاهای شهری به نوعی در ارتباط مستقیم ولو پنهان قرار داشته (Carter & Hill, 1979)؛ (Garland, 2001b, 106)؛ (Emsley, 2005, 57) و در در قرائت‌های نوین عامل امنیت و حکمرانی آن میل به سمت خوانشی «چندمتغیره» و پیچیده داشته (Johnston & Shearing, 2003, 32-33) و چالش «امنیت شهری»؛ به‌عنوان یک «سیاست شهری»^۱ نیز هم‌اکنون یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متأخر عمده موجود در بستر این شهرها و فضاهای عمومی شهری است (کاکرین، ۱۳۹۷، ۱۴۱)؛ (کاشانی‌جو، ۱۳۸۹، ۹۵، ۱۰۵). در کنار شهرسازان در دانش جرم‌شناسی نیز پدیده و مقوله جرم، اساساً یک پدیده ثابتی در طول تاریخ نبوده و بسته به معیارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جوامع، شکلی متغیر داشته (Mucie & McLaughlin, 1996, 2) و «پیش‌فرض‌های خطی» از رخداد جرم در حال تغییر بوده و در جرم‌شناسی پست‌مدرن دینامیک خطی، دیگر در علت‌شناسی جرم، جایگاهی نداشته و علت جرم، خطی و قابل پیش‌بینی نیست (نجفی ابرندآبادی و گلدوزیان، ۱۳۹۷، ۹، ۴۲). در بین تعاریف موجود و در فرهنگ وبستر، هرگونه اقدام در تخطی از قانون نظم‌دهنده بر آن عمل را جرم تعریف کرده است (NCPI, 2001, 9). در ادبیات رشته‌های حقوق و شهرسازی نیز به رفتار مخالف نظم اجتماعی و توأم با مجازات یا اقدامات تأمینی (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۱۴۳)، «جرم» و به آزادی از ریسک و فقدان تهدید نسبی علیه دارایی‌ها و اموال (Carmona, Heath, Oc & Tiesdell, 2003, 345) و محافظت از دارایی و دوستان و خانواده (Ibid) «امنیت» گفته می‌شود که منشاء انسانی دارد. از دید جرم‌شناسان محیطی مشهور پائول و پاتریشیا برانتینگهام^۲، جرم اساساً شامل چهار جزء «قانون‌گذاری»، «مهاجم»، «هدف» و «مکان» است (Gilling, 2005a, 39-40). برخلاف عنصر مورد تأکید «قانون‌گذاری» در مکتب سنتی^۳ و عنصر مورد تأکید «مهاجمان» در مکتب اثبات‌گرایان^۴، دو جزء دیگر یعنی «هدف» یا «قربانی‌ها» و «مکان»^۵ تا قبل از تولد مکتب جرم‌شناسی محیطی^۶ کم‌تر مورد توجه بوده ولی در تحقیقات جدیدتر مورد بازبینی مجدد قرار گرفته‌اند (ibid). بر این مبنا عنصر «مکان» در نزدیک به پنجاه سال اخیر در کانون توجه «جرم‌شناسی محیطی» قرار گرفته



تصویر ۱. متل ارزان قیمت، مکان جرم قتل در فیلم کلاسیک ارزشمند «روانی» اثر آلفرد هیچکاک. مأخذ: Hitchcock, 1960.



تصویر ۲. نمونه یک مکان جرم، مجاورت مراکز مشروب الکلی و مراکز تبدیل پول با یک ایستگاه اتوبوس در لس‌آنجلس. مأخذ: Loukaitou-Sideris, 2012, 10.

بر مبنای مقدمه و مسئله طرح شده پژوهش، سؤالات باز پژوهش شامل این دو مورد است: الف. در سیر اندیشه‌های نظری جرم‌شناختی محیطی و نیز الگوهای نظری ناظر بر پیشگیری وضعی از جرم، مفاهیم «مکان» و «مدیریت مکان» چه جایگاه و تحولاتی کلانی داشته‌اند؟ ب. مؤلفه‌های نظری مفاهیم «مکان» و «مدیریت مکان» در خوانش‌های نوین جرم‌شناختی مکان کدامند و ارتباطات آنان با یکدیگر چیست؟ **تصویر ۳** الگوی استخراج و کشف تدریجی شکاف موجود و ادعای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

مبانی نظری
• نظریه‌های جرم‌شناختی
 در ادبیات متون بین‌رشته‌ای جرم‌شناسی، معمولاً «جرم» پدیده‌ای پیچیده قلمداد شده (Brantingham & Brantingham, 1993, 279); (Mucie, 1996, 59-60) و از این رو نیازمند نظریه برای فهم و تبیین است (Tilley, 2009, 3). یکی از نکات قابل توجه در این ادبیات تخصصی تعدد نگاه‌های مختلف به جرم از زوایای گوناگون و حضور نظریه‌های مختلف در این زمینه که با چرخش‌های صورت گرفته در تعاریف و قرائت‌های مختلف از جرم نیز تطابق دارد. بر این اساس، در سیر اندیشه‌های جرم‌شناسی، چهار مکتب سنتی یا کلاسیک، الگوهای اثباتی یا مکتب پوزیتیویستی، مکاتب اکولوژیکی و محیطی و نیز الگوهای برآمده از زمان معاصر، در این حوزه وجود دارند (Carrabine, Cox, 2009, 51-101). در کنار این مکاتب، مکاتب معاصر جرم‌شناسی نیز با تأکید بر لزوم توسعه روش‌های نوین عملیات پلیسی^{۱۲}، با جست‌وجو در برنامه‌های کنترل جرایم از زاویه پیشگیری از وقوع جرم^{۱۳}، به دنبال کاهش جرم و پیامد ثانویه کاهش تعداد مجرمان هستند (NCPI, 2001, 18-19). در ادامه با توجه به کانونی‌بودن نقش «مکان» در پژوهش؛ نظریه‌های جرم‌شناختی از منظر جایگاه مکان به دو بخش عمده «رویکردهای سنتی به مکان» و «رویکردهای

خونش اولیه و وسیع مبانی نظری جرم‌شناسی محیطی

رهیافت سنتی به مکان

رهیافت نوین به مکان

مکان

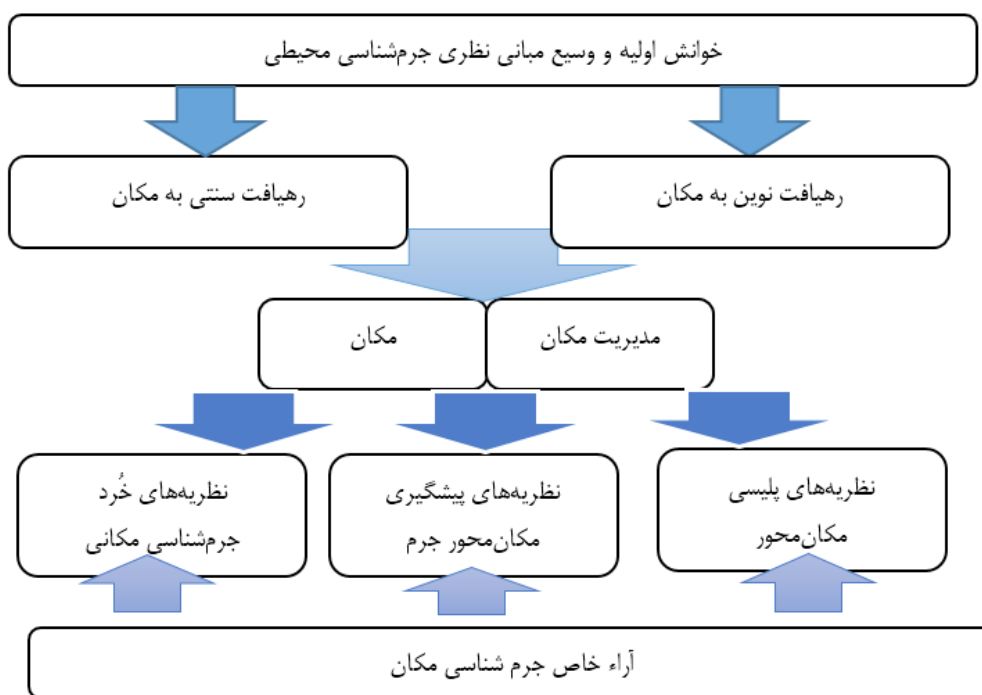
مدیریت مکان

نظریه‌های خرد جرم‌شناسی مکانی

نظریه‌های پیشگیری مکان‌محور جرم

نظریه‌های پلیسی مکان‌محور

آراء خاص جرم‌شناسی مکان



تصویر ۳. الگوی شناخت، طبقه‌بندی و واکاوی مفاهیم اصلی تحقیق. مأخذ: نگارندگان.

وقوع و کنترل الزامات گوناگون جرم بازبینی‌های جدید در دانش جرم‌شناسی همراه با بازبینی در نقش و جایگاه ویژه مکان در جرم است. به طوری که در این میان، با تولد مکتب جرم‌شناسی در دهه‌های (۱۹۷۰) و (۱۹۸۰) میلادی، به جای تحلیل‌های زیست‌شناسانه از مهاجمان و یا آنالیزهای جامعه‌شناختی در مکاتب سنتی و اثباتی این بار، جرم و محیط بلافصل آن^{۱۸}، علت رخداد جرم^{۱۹}، تنظیمات جرم^{۲۰} و شناخت «مکان‌های معین جرم»^{۲۱} تحلیل و آنالیز می‌شود (Carrabine et al.); (Bottoms & Wiles, 2002, 621) (Sidebottom & Wortley, 2016, 157-175); (2009, 138) (Boba Santos, 2017, 74). بنابراین، «مکان» به‌عنوان یکی از عناصر سازنده و کلیدی در محیط حائز اهمیتیتی دوباره قرار گرفته و مورد بازبینی مجدد قرار می‌گیرد (Gilling, 2005, 39-40). بر این مبنا و همسو با تحقیقات تجربی جرم‌شناختی رجوع به «سطح خُرد»^{۲۲} تحلیل مکانی جرم همانند بلوک‌های محله‌ای، یک تقاطع یا یک ایستگاه اتوبوس متداول می‌شود (Weisburd, Groff & Yang, 2012, 39) (Loukaitou-Sideris, 2012, 93-94); (عسکری و رجبی، ۱۳۹۵، ۹۴). در واقع، مشخصاً در این زمینه مکان به مفاهیم نوین دیگری همانند ویژگی‌های فیزیکی مکان‌ها^{۲۳} (Kikuchi, 2010, 10) و یا «مقرها و آدرس‌هایی معین» (Paulsen, 2013, 16-17) و بافت خُرد مکانی در واحدهای همسایگی (Weisburd & Telep, 2014, 2827-2828) بازتعریف می‌شود. برآیند این دستاوردها؛ پیدایش فرضیه‌های جدیدی ناظر بر وجود مناطق بزرگ عاری از جرم حتی در سطح محلات منحرف و فوق بدخیم و رد استدلال‌های ناظر بر مفهوم همه‌شمول «محلات خطرناک در شهرها» و «فرضیه دیرمهری جرم»^{۲۴} برخلاف رویکردهای میان مقیاس تحلیل جرم و روی آوری به «ماهیت کنترل‌پذیری جرم» است (Mazerolle & Ransley, 2005, 207-208); (Wilcox, 2018, 210) (Cullen & Feldmeyer, 2018, 210). هم‌چنین این جریان

نوین به مکان» طبقه‌بندی و در ادامه رویکردهای نوین به نقش «مکان» در جرم‌شناسایی و معرفی شده‌اند.

• رویکرد سنتی به مکان - آراء عام جرم‌شناسی (نقش عام مکان در جرم و پیشگیری از جرم)

مکان در رویکردهای سنتی جرم‌شناسی صرفاً به‌عنوان یک عنصر عادی و یک عامل^{۱۴} معمولی در کنار سایر عناصر سازنده در رخداد جرم تعریف و طبقه‌بندی می‌شود و فاقد اهمیت‌های اساسی و کلیدی در شکل‌گیری جرم و فاقد یک نقش متمایزکننده است. بر این مبنا، «مکان» مطابق این آراء موجود نظری در مرکز و کانون جرم‌شناسی مورد توجه قرار نداشته و جایگاه مستقلی را به خود اختصاص نمی‌دهد. در این رویکرد؛ رهیافت‌های عمده «کلان مقیاس»^{۱۵} تحلیل جرم و «میانی مقیاس»^{۱۶} تحلیل جرم در بین جرم‌شناسان شناخته شده هستند. در رویکردهای کلان، مکان بدون جزئیات و در بالاترین سطح فضایی و موضعی دیده می‌شود و در سطح میانی مکان و بی‌نظمی در آن با ویژگی محیطی و در مقیاس محله‌ای یا به شکل بررسی جرایم در سطح محله‌ها با دلایلی نظیر نابرابری‌های درآمدی، بی‌نظمی اجتماعی و یا در دسترس‌ناپذیری مشاغل و یا کیفیت نامطلوب فضاهای شهری محله‌ای دنبال می‌شود (Kikuchi, 2010, 9). در واقع «فضا» و «محله» در این قرائت از مکان و نقش آن در جرم محوریت دارند. از نظر جایگاه نظریه در این رویکرد نیز مطابق با سیر نظریه‌های جرم‌شناسی معرفی شده؛ توجه به محیط و مکان^{۱۷} در آراء عام جرم‌شناسی از محل مکاتب اکولوژیکی و محیطی قابل ردیابی هستند که در جدول ۱ معرفی شده‌اند.

• آراء خاص و نوین جرم‌شناسی (نقش خاص مکان در جرم و پیشگیری از جرم)

مکان در رویکردهای نوین جرم‌شناسی ذیل «آراء خُرد جرم‌شناسی» طبقه‌بندی می‌شوند. بر این مبنا، از دهه‌های (۱۹۶۰) به بعد، همسو با دشواری در فهم و درک چگونگی

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نظریات سنتی مطرح در حوزه جرم‌شناسی محیطی از زاویه مکان و مدیریت مکان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	نام نظریه	تمرکز بر ابعاد مکانی	تمرکز غالب و رویکردهای کلیدی نظریه در مهار جرم (اولویت مرتب‌شده)
۱	نظریه الگومندی جرم	دارد	محیط و مکان
۲	تئوری فعالیت روزمره عادی	دارد	رویکردهای مرکب و مکان
۳	فضاهای قابل دفاع	ندارد	طراحی و مکان
۴	پنجره‌های شکسته	دارد	مکان، محیط و مدیریت
۵	تئوری انتخاب منطقی	دارد	رویکردهای مرکب و مکان

روش تحقیق

رویکرد این مطالعه از یک سو کیفی (Creswell, 2014, 5) و بنابر ماهیت کیفی پژوهش، از روش پژوهش اسنادی در این مطالعه استفاده شده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند تا ضمن استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی اقدام کند (صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴، ۶۳، ۶۹). اهمیت این استفاده نظام‌مند اسنادی به فرارفتن از گردآوری صرف داده‌ها بوده که در آن مجموعه‌ای پنهان از ابعاد و ظرفیت‌های پراکنده موضوع هدف مطالعه قرار گرفته و سپس الگوهایی به منظور استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی معرفی می‌شود. از این‌رو، داده‌های اسنادی پژوهش متمرکز بر دو موضوع محوری «مکان» و «مدیریت مکان در جرم» جهت واکاوی، استخراج مؤلفه‌ها، طبقه‌بندی و نیز شناسایی روابط بیان‌نشده پیشینی بین این مفاهیم پایه‌ای پژوهش است. منظور دقیق‌تر از اسناد در این مطالعه، مجموعه متون تولیدشده در قالب کتب پایه تخصصی، کتب راهنما، رساله‌های دانشجویی، مقالات علمی داوری شده، سایر مقالات علمی در حوزه‌های جرم‌شناسی محیطی، به‌ویژه جرم‌شناسی مکانی و نیز گزارشات و تحلیل‌های موردی تجارب موفق پلیسی جرم‌شناسی در مبارزه با جرایم مکان‌محور است. در فرایند بررسی اسناد نیز ضمن تمرکز بر هر دو مفهوم ذکر شده به تناسب الگوهای اکتشافی به‌دست آمده طبقه‌بندی و ارزیابی جدیدی در قالب «خوشه‌سازی منظم مفهومی»، «نظام واژگانی مفهومی» و «شبکه مفهومی» به‌عنوان موقعیت‌یابی مجدد از مفاهیم به‌صورت منسجم در دستور کار قرار گرفته است. برون‌دادهای پژوهش نیز در سه محور نظریه‌های جرم‌شناسی مکانی، نظریه‌های پیشگیری مکانی از جرم و نظریه‌های نوین مکان‌محور پلیسی دسته‌بندی شده‌اند. هم‌چنین پژوهش از نظر روش‌شناسی برای خوانش دقیق‌تر از ظرفیت‌های رویکردهای مروری-تفسیری نیز در جهت موقعیت‌یابی، تجمیع‌کنندگی و شناخت ظرفیت‌های موضوع و داده‌ای پژوهش استفاده کرده است (Littell, Corcoran, 2008, 1 & Pillai). ماهیت این مطالعه، فرایندمحور و نیز برخوردار از منطق استقرائی و قیاسی با یکدیگر است. لازم به ذکر است که در متن مقاله علاوه بر رعایت انسجام در نوع بیان خروجی‌های مقاله، از ظرفیت‌های تحلیل و تفسیر نیز به تناسب واکاوی مفهومی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

تعاریف و برداشت‌های نظری از مفاهیم محوری مطالعه و امتداد آراء خاص نظری در حوزه جرم‌شناسی مکان در این

موجی از نظریه‌های جدید با نقش‌های جدید برای مکان در تبیین جرم را با خود به همراه می‌آورد که در بخش بعدی مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پیشینه و نمونه مطالعات پیشین

در پیشینه تحقیق، به جز مجموعه متون نظری موجود همانند آزمون تجربی نظریه‌های جرم‌شناختی (علیوردی‌نیا و علیمردانی، ۱۳۹۶، ۱) سهم قابل توجهی از متون داخل از زاویه نگرش کلان و میانی و با رویکردهایی همانند پهنه‌بندی فضاهای جرم‌خیز یا نقاط داغ، الگوهای جرایم و یا توزیع جرایم به مقوله جرم پرداخته‌اند که همسو با جهت‌گیری این پژوهش نیست. در مقابل، تحقیقات کاربردی از زاویه خرد جایگاه مکان در جرم اندک هستند که می‌توان به پژوهش احمدآبادی، صالحی هیکویی و احمدآبادی (۱۳۸۶) و یا کلانتری، شیعه و رفیعیان (۱۴۰۰) اشاره کرد. در این میان، بخش اندکی نیز ابعاد نظری داشته و به‌طور خاص بر ابعاد مکان و مدیریت مکان و یا فن‌های پیشگیری از جرم متمرکز بوده‌اند. در این زمینه می‌توان به‌طور مشخص به مطالعه افراسیابی (۱۳۹۰)، افراسیابی و یاراحمدی (۱۳۹۱)، مقیمی (۱۳۹۶) و کلانتری، شیعه و رفیعیان (۱۳۹۹) در داخل استناد کرد که جهت‌گیری اصلی مطالعات بر سه مقوله «مکان، جرم و مدیریت» مکان از منظر نظری است. حوزه مطالعات خارجی نیز طیف وسیعی دارند که در این بخش به دلیل طولانی‌شدن متن هدف بررسی قرار نگرفته‌اند. در یک جمع‌بندی انتقادی می‌توان این‌گونه اظهار نظر کرد که در متون تولیدشده داخل کشور، کم‌تر بر مفهوم نظری جرم تمرکز شده و عموماً حول مطالعات کاربردی بر پخشایش جرم و تحلیل‌های ناظر بر آن از زاویه نگرش کلان و میانی و عموماً در متون جهت‌گیری تکراری دیده می‌شوند. کم‌ترین حوزه فکری نیز مربوط به سنجش مستقیم و یا غیر مستقیم «مکان و مدیریت مکان در جرم» است. به علاوه، اگرچه در تمامی متون موجود به نوعی به «مکان و اهمیت مکان» در جرم اشاره شده است؛ ولی «مبانی نظری مکان‌محور» نیز معمولاً در متون دیده نمی‌شود. این مهم، نشانگر ناشناخته‌بودن این موضوع در بین نویسندگان و تحقیقات نظری و تجربی داخلی است. تحلیل‌ها با وجود گرایش به تحلیل‌های خرد، هم‌چنان به دلیل نبود بار نظری قوی، دوباره جهت‌گیری «کلان مقیاس» همانند تمرکز بر کل سطح شهر و یا «میانی مقیاس» مثل «محل» داشته‌اند. به علاوه، نقش مکان، ضعف نظارت و مدیریت مکان، وزن اصلی و محوری را نیز در متون نداشته‌اند. در هر حال، این متون بعضی از مکان‌های جرم غالب همانند «پارک‌های مسئله‌دار» را به ما معرفی کرده و ضعف مشهود مدیریتی بر این «مکان‌های جرم‌خیز» را به ما یادآور شده‌اند.

در این راستا توجه مجددی نیز بر متمایل بودن «جرم» به تمرکز^{۳۸} و نیز تمرکز جرم در «مکان» و «مکان‌های غالب در جرم» در سال‌های آغازین و میانی دهه اول و دوم سال‌های (۲۰۰۰) و (۲۰۱۰) میلادی صورت می‌گیرد (Weisburd, 2004; Bushway, Lum & Yang, 2004; Weisburd, 2015). شواهد متقنی نیز از تست و آزمایش این مشخصه از مکان در سطح شهرهای مختلف جهان صورت گرفته است (Amemiya & Ohyama, 2019, 2). در امتداد پیدایش این مفاهیم جدید توجه به نقش تأسیسات در جرم و تولد مفهوم تأسیسات ریسکی^{۳۹} نیز بعد از سال‌های میانی دهه (۲۰۰۰) میلادی نیز در این زمینه قابل توجه است. از دید جان اک^{۴۰}، «تأسیسات خطرآفرین» شامل بخشی کوچک از یک دسته و گروه از دارایی‌ها و مکان‌های هم‌شکل است که جرایم غالباً در سطحی فوق‌العاده در آن رخ می‌دهند (Eck, Clarke & Guerette, 2007, 226). این مفهوم، در امتداد اصول برگرفته از تمرکز جرم در مکان‌هایی معین همانند «نظریه تمرکز جرم» است که در آن تنها بخش کمی از تأسیسات موجب شکل‌گیری و تجمع بیش‌ترین سطح از جرم و اختلال و نابسامانی در محیط میشود (Bichler, Schmerler & Enriquez, 2013, 438). از دیگر پیشرفت‌های نظری مکان در این حوزه، توسعه مثلث سوم جرم و شکل‌گیری مفهوم ابرکنترل‌گرها^{۴۱} برای کنترل و نظارت بر عناصر لایه دوم مثلث جرم از جمله نظارت بر «مدیران» است (Sampson, Eck & Dunham, 2010, 37-44). هم‌چنین در این مسیر نوین، متون نظری متمرکز بر مفهوم «مکان» و تدقیق جایگاه، اهمیت و نقش مکان‌های خرد^{۴۲} نیز هم‌چنان در سال‌های اولیه دهه (۲۰۱۰) میلادی به روند رو به رشد خود ادامه می‌دهند (Loukaitou-Sideris, 2012, 85; Hillier & Ozlem, 2012, 111). تولد مفهوم جرم‌شناسی مکان^{۴۳} در امتداد تمرکز خاص جرم‌شناسی بر واحدهای کوچک^{۴۴} همانند آدرس‌های جرم و یا تقاطع‌ها و نیز تأکید بر تنوع رخدادهای جرایم شکل گرفته است (Weisburd, Groff & Yang, 2012, 39; Wilcox, Cullen & Feldmeyer, 2018, 164-167). در این قرائت نوین، حتی شکل‌گیری جرم در «محلات جرم‌خیز» نیز به هر دو عنصر «بافت محله» و فرصت‌های برآمده از «مقرها و آدرس‌هایی معین» در محیط مصنوع نیازمند است (Paulsen, 2013, 16-17). از زاویه نگاهی دیگر، نگاهی تجمیعی بر برآیند تمامی این مجموعه تحولات گویای شکل‌گیری «شبکه مفهومی از مکان» در ادبیات جهش‌یافته جرم‌شناسی مکانی است. این شیوه از جرم‌شناسی با خود دارای امتیازات منحصر‌فردی همانند چشمگیرتر بودن نقش مکان در کنترل جرایم در قالب تمرکز بر مکان به نسبت تمرکز بر سایر مقولات دخیل در رخداد

بخش مورد توجه است. بر این مبنا، بازبینی‌های صورت‌گرفته و آراء جدید در این حوزه بررسی شده‌اند و به‌طور کلی در سه دسته قابل طبقه‌بندی هستند. اول: آراء و نظریه‌های جرم‌شناسی مکانی، دوم: آراء پیشگیری مکانی از جرم و سوم: نظریه‌های نوین مکان‌محور پلیسی^{۴۵}.

• آراء و نظریه‌های خرد جرم‌شناسی مکانی

در این حوزه به موازات پیشرفت‌های اخیر در جرم‌شناسی مبنی بر تأکید بر نقاط و محیط‌های خرد شهری^{۴۶} پژوهش‌های جدید ناظر بر شناخت عمیق از نقش جدید مکان و شناخت ویژگی‌های نادیده‌شده مکان در جرم در دایره بزرگی به نام نظریه‌های خرد جرم‌شناسی مکانی است. بر این اساس، از منظر تحلیلی با تبدیل شدن «عنصر مکان» در آراء عام جرم‌شناسی یعنی رویکردهای سنتی مکان به «مفهوم مکان» در آراء خاص جرم‌شناسی یعنی رویکردهای نوین به مکان؛ یک نظام واژگانی تبیین‌گر چستی عامل مکان در جرم به تدریج شکل گرفته و به تولد «جرم‌شناسی مکان» ختم شده است. پیامد نهایی این چرخش، توسعه ابعاد ذهنی و عینی مکان به‌صورت شکل‌گیری یک «شبکه مفهومی-عینی مکان» در جرم است. در ادامه سیر پیشرفت‌های نظری در این زمینه بررسی می‌شود. نظریه الگوی تمرکز جرم^{۴۷} و نظریه نقاط داغ جرم^{۴۸} با پیش‌گامی لورنس شرمن^{۴۹} از اولین متون قابل توجه در این زمینه در خصوص بسط ماهیت مکان و کشف غیر تصادفی بودن توزیع جرایم و متمرکز بودن الگوی توزیعی آن حول مکان‌هایی داغ خاص، متمرکز و مکان‌های خوشه‌ای^{۵۰} است (Weisburd & Telep, 2014, 2827; Boba Santos & Santos, 2014, 5159). به دنبال مطالعه یادشده و تمرکز بر آدرس‌های معین در جرم، از دهه (۱۹۹۰) میلادی به بعد؛ تعمق نظری بیش‌تری نسبت به شناخت مکان و مدیریت آن شکل می‌گیرد. از دیگر مطالعات پیشگام در این زمینه، مطالعه جان اک (Eck, 1994) در توسعه مفهوم مکان و نیز مفهوم «مدیر مکان»^{۵۱} توأم با بسط نظریه رفتار روزمره^{۵۲} و مثلث جرم^{۵۳} است. در ادامه این روند، تلاش‌ها برای تمرکز بخشی بر شناخت ماهیت مکان، هم‌چنان از اواسط سال‌های میانی دهه (۱۹۹۰) ادامه پیدا کرده و شناخت ویژگی‌های مکان^{۵۴}، تأسیسات در مکان^{۵۵} و خوشه‌ها در مکان^{۵۶} در این دوره مجدداً مورد توجه مجدد قرار می‌گیرد (Felton, 1995; Eck & Weisburd, 1995, 8). به موازات رشد اولیه مفهوم مکان، مفهوم و رویکرد «مدیریت مکان»^{۵۷} در بین ادبیات و متون جرم‌شناسی قبل از دهه (۲۰۰۰) میلادی جای پای خود را در این حوزه به شکلی نظری باز می‌کند (Mant, 1998) که علاوه بر نظریه‌های جرم‌شناسی در حوزه ادبیات تخصصی پیشگیری از جرم و رویکردهای نوین پلیسی نیز به رشد خود ادامه می‌دهد.

و وضعی^{۵۷} و برنامه‌های مرکب و بازتلفیقی^{۵۸} طبقه‌بندی کرد (UNODC, 2010, 12-15). توجه به مقوله مدیریت مکان در سال‌های پایانی دهه (۱۹۹۰) میلادی، خود در امتداد رشد تکنیک‌های پیشگیری از جرم از جمله تکنیک‌های ناظر بر رویکرد موقعیت‌محور از جرم قرار داشته است (Cornish & Clarke, 2003, 89-90). از نظر «کلارک»^{۵۹}، «پیشگیری موقعیت‌محور» فراتر و دامن‌دارتر از «CPTED» بوده؛ چرا که تمام محدوده محیط و اشیاء درگیر با جرم را درگیر کرده و از این رو تمامی «سیستم حقوقی و مدیریتی» همانند «راه‌حل‌های طراحی» واجد اهمیت هستند (صالحی، ۱۳۸۷، ۱۵۰). پیشگیری موقعیت‌محور از جمله رویکردهای نوین در این حوزه و مرتبط با ویژگی‌های فیزیکی و نقش فرصت‌های فیزیکی موقعیت، مکان و دارای ارتباط با شرایط برآمده در دامنه تصمیمات و انتخاب‌های مهاجمان در موقعیت جرم است (Clarke, 1980, 449, 460). در واقع، فنون و روش‌های ناظر بر «پیشگیری وضعی یا موقعیت‌محور»^{۶۰} با تأکید بر همین «مدیریت محیط» و فرصت‌های مجرمانه به نسبت سایر فرصت‌ها پدید آمده‌اند (مقیمی، ۱۳۹۶، ۱۵۹) (Benson, Madensen & Eck, 2009, 183); اساساً تئوری‌های ناظر بر پیشگیری موقعیت‌محور از جرم به دنبال آن هستند که چرا بعضی از فرصت‌های مجرمانه



تصویر ۴. شمایی گرافیکی از اتصالات «شبکه‌های عینی مکانی» الزامی در وقوع جرم. مأخذ: Herold et al., 2017, 14.



تصویر ۵. شمایی گرافیکی از «شبکه مکان‌های واقعی» در وقوع جرم. مأخذ: Herold et al, 2017, 26.

جرم همانند تمرکز بر اصلاح مهاجمان است (Wilcox et al., 2018, 140). به علاوه در این خصوص، اماکن مسبوق به سابقه جرم، از قابلیت پیش‌بینی شش برابری به نسبت مجرمان با سابقه در شناخت جرایم آتی برخوردار هستند (Kikuchi, 2010, 1). در امتداد این مهم، توجه عمیق‌تر بر تعاریف و ویژگی‌های عام «مکان» در جرم در دستور کار مطالعات متأخرتر در این حوزه قرار گرفته است (Eck & Guerette, 2012, 166-170; Eck, 2015, 224-226). عینیت‌بخشی به این «شبکه مفهومی» از مکان نیز در بخشی از متون تخصصی این حوزه در دهه دوم سال‌های (۲۰۱۰) میلادی شکل گرفته است. بر این مبنای «مکان جرم»، تنها یک سایت و یک فضای «تک بُعدی» نیست، بلکه مکان جرم، خود برخوردار از «مکان‌های پشتیبان» یا «مکان‌های مرکب» بوده و این موضوع، اهمیت مکان در جرم را به مراتب تقویت کرده است. مکان‌ها، در یک دسته‌بندی سه‌گانه به سه‌گونه از «مکان‌های یکپارچه یا سرتاسری»^{۴۵} مثل مکان‌های بزرگ همانند محلات، «مکان‌های مجاور»^{۴۶} همانند «بخش‌بندی‌های خیابانی»^{۴۷} و نیز «مکان‌های دارای حق و حقوق انحصاری»^{۴۸} تقسیم‌بندی شده‌اند (Eck & Guerette, 2012, 166-170). هم‌چنین، مطابق بررسی‌های اخیر محققان دیگر در حوزه جرم‌شناسی، مکان‌های مالکیتی؛ چهار سطح و یا چهار نقش دیگر از جمله «سایت‌های جرم»^{۴۹}، «مکان‌های هم‌گراکننده»^{۵۰}، «مکان‌های راحتی»^{۵۱} و «نقاط داغ تباه‌شده و آلوده»^{۵۲} را نیز برای شکل‌گیری رخداد جرم پوشش می‌دهند (Madensen & Eck, 2013a, 570-571; Herold, Biehl & Madensen, 2017, 7). در واقع، «جرم»، دارای دو سطح از پنهان‌شدگی است که سطح اول آن در سایت‌های جرم و سطح دیگر آن به کمک سه مکان دیگر یاد شده در قالب یک «شبکه‌ای عینی از مکان‌های جرم»^{۵۳} و در قالب «ترکیب مکان‌ها»^{۵۴} با یکدیگر شکل می‌گیرد (تصاویر ۴ و ۵). در واقع «مکان»، همزمان دو بُعد مفهومی و عینی دارد (جدول ۲).

• آراء و نظریه‌های مکانی پیشگیری از جرم

علاوه بر آراء و نظریه‌های جرم‌شناسی مکانی؛ مکان در حوزه آراء و نظریه‌های مکانی پیشگیری از جرم نیز به ویژه از منظر مفهوم «مدیریت مکان» رشد محسوسی داشته و خاستگاه تولد اصلی مفهوم «مدیریت مکان» به نظریه‌ها و رویکردهای پیشگیری از جرم بازمی‌گردد (Carrabine et al., 2009, 138). در این زمینه، از دهه (۱۹۹۰) میلادی به بعد، رویکردهای مختلفی نسبت به «پیشگیری از جرم» در ادبیات جرم‌شناسی متولد شده که حداقل می‌توان آن‌ها را در چهار دسته کلان پیشگیری از جرم از طریق توسعه اجتماعی^{۵۵}، پیشگیری اجتماع یا محلی محور^{۵۶}، پیشگیری موقعیت‌محور

جدول ۲. شبکه مفهومی و عینی مکان در ادبیات نوین جرم‌شناسی مکانی. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	شبکه مفهومی-عینی مکان	نمونه متون	ردیف	شبکه مفهومی-عینی مکان	نمونه متون
۱	مکان‌های داغ (Hot Spots)	Sherman, Gartin & Buerger (1989)	۸	سایت‌های جرم (Crime Sites)	Madensen & Eck (2013)
۲	تأسیسات مکانی ریسکی (Risky Crime Facilities)	Eck & Weisburd (1995) Eck, Clarke, Guerette (2007)	۹	مکان‌های همگراکننده (Convergent Settings)	Madensen & Eck (2013)
۳	مکان‌های خوشه‌ای (Cluster Oriented)	Eck & Weisburd (1995)	۱۰	مکان‌های راحتی (fort Spaces)	Madensen & Eck (2013)
۴	مکان‌های دردرساز (Trouble- some Places)	Eck & Guerette (2012)	۱۱	مکان‌های تباه‌شده (Corrupting Spot)	Madensen & Eck (2013)
۵	مکان‌های سرتاسری (Pooled Places)	Eck & Guerette (2012) Madensen & Eck (2013)	۱۲	مکان‌های شبکه‌ای (Place Networks)	Herold, Biehl, Madensen (2017)
۶	مکان‌های مجاور (Proximal Places)	Eck & Guerette (2012) Madensen & Eck (2013)	۱۳	مکان‌های چندکاربردی (Mixed Use Places)	Herold, Biehl, Madensen, (2017)
۷	مکان‌های مالکیتی (Proprietary Places)	Eck & Guerette (2012) Madensen & Eck (2013)	-	-	-

«پیشگیری شراکت مبنا از جرم» از جمله این پیشرفت‌های به عمل آمده و ممزوج شدن عامل «مکان» با مقوله پیشگیری به ویژه در حوزه آسیب‌های اجتماعی کالبدی و جرایم است. در واقع، «مدیریت مکان» کاملاً هم‌راستا با چرخش‌های پارادایمی همانند بازگشت از «مقابله تأدیبی» با جرایم به سوی «پیشگیری شراکتی از جرم» است (Graham & Clarke, 1996, 175). در واقع، مدیریت مکان علاوه بر بُعد پیشگیری و نظارت، جنبه شراکتی نیز دارد. بخش دیگری از الگوهای مشابه پیشگیری نیز در همین زمینه در قالب نوین «پیشگیری مالک مکان»^{۶۵} و یا پیشگیری مالک جرم^{۶۶} و یا پیشگیری از آن خودکننده تبلور یافته است (Eck & Guerette, 2012, 166-170). علاوه بر این سه تحول در این حوزه، به دنبال رشد نظری مفهوم مدیریت مکان، هم‌چنان خلاءهای نظری از تعاریف و چگونگی کاربرد و کاربست‌های این در جهت امنیت عمومی شهری وجود داشته و از این رو از اواسط سال‌های میانی دهه (۲۰۰۰)، تحقیقات متعددی بر این حوزه متمرکز می‌شوند. از این نظر، تکنیک «مدیریت مکان» در عمل نیز بی‌ارتباط با «ماهیت مکان»، «ویژگی‌های مکان» و نیز «مدیر مکان» نیست و بلکه این گزاره‌ها هم در نظر و هم در عمل با یکدیگر متعامل هستند. بر این مبنا، به‌طور نمونه «مدیران مکان» اشخاصی هستند که یا «مالک مکان» بوده و یا توسط آنان و یا به‌واسطه شغل خود، کارکرد ثانویه «نظارت بر مکان» را برعهده گرفته (Scott, Eck, & Knutsson & Goldstein, 2008, 235-236); (Welsh &

به نسبت سایر فرصت‌ها برای مجرمان جذاب‌تر است (ibid). با این حال بایستی توجه داشت که تولد مفهوم مدیریت مکان و در این‌جا تکنیک پیشگیری «مدیریت مکان» تنها از ماهیت پیشگیری برخوردار نیست چرا که از حیث ماهیتی، «مدیریت مکان در جرم» ریشه در ابزارهای «نظارت»^{۶۱} بر فضا دارد که به‌عنوان ابزاری برای محکم‌کردن و تشدیدبخشی و یا نظارت به‌عنوان پیامدی برای فضاهای شهری امن نیز تعریف شده است (Lee & Herborn, 2003, 31, 33, 36; Welsh & Farrington, 2009, 9). در همین خصوص، استفاده از ناظرانی به شکل «گارد خیابانی و گشت‌زنی»^{۶۲} و یا برنامه‌های «نظارت بر محله»^{۶۳} قرابت بسیار نزدیکی با فن «مدیریت مکان» دارند. هم‌چنین، علاوه بر رویکرد پیشگیری وضعیتی، مکان با رویکردهای نوین دیگر در پیشگیری از جمله در حوزه‌های پیشگیری شراکت‌محور نیز نقش داشته و با آن تعامل برقرار کرده است. از این نظر، ماهیت پیشگیری از جرم صرفاً محدود به اقدامات سازمان‌ها نشده بلکه بسیاری از سیاست‌های عمومی، اجتماعی، بخش خصوصی و شهروندان را نیز مشمول شده و با آن مرتبط است (Gilling, 2005, 82, 113, 125). تولد رویکردهای متأخر «پیشگیری شراکتی» (کاکرین، ۱۳۹۷، ۱۶۸) و یا «شراکت‌های پیشگیری‌کننده»^{۶۴} (Garland, 2001, 17, 147)، رویکردهای دارایی مبنا و بسیج منابع برای مکان (عارفی، ۱۳۸۰، ۲۴، ۲۹)، رویکردهای «شراکت‌محور» در محله‌های محروم (Webster, 2006) و به زبان دقیق‌تر فنی

31-32). در این زمینه، مکاتب معاصر جرم‌شناسی نیز با تأکید بر لزوم توسعه روش‌های نوین عملیات پلیسی^{۷۱}، با جست‌وجو در برنامه‌های کنترل جرایم از زاویه پیشگیری از وقوع جرم^{۷۲}، به دنبال کاهش جرم و پیامد ثانویه کاهش تعداد مجرمان بوده‌اند (NCPI, 2001, 18-19). در ایده‌های جدید این حوزه، کنترل فرصت‌های جرم، تنها به عاملیت پلیس محدود نشده، بلکه برنامه‌های کمکی برای کارمندان و کارکنان حوزه‌های کسب و کار نیز در جهت مدیریت مکان از پتانسیل بالایی در جهت کاهش جرایم برخوردار هستند (Weisburd et al., 2012, 188). بر این مبنای، سطوحی از «شراکت»^{۷۳} به مجموعه نیروهای بیرون از ساختار پلیس مورد تأکید قرار گرفته است. هم‌زمان با این تحولات از سال (۲۰۰۰) میلادی به بعد، هدف‌گذاری مشارکتی در قالب برنامه‌های امنیت اجتماع محور شراکتی^{۷۴} در جهت جذب شهروندان به‌ویژه با رویکرد کاهش جرم و ترس از جرم در سطح اجتماعات محلی^{۷۵} در سطح جهانی روی داده است (Carmona, de Magalhães & Hammond, 2008, 20). در حوزه‌های مدیریت مراکز شهری؛ تجاری همانند تکنیک استفاده از نگهبانان و عامل انسانی در نگهبانی فضاهای عمومی شهری همانند نگهبانان در سطوح خیابانی^{۷۶} و یا نگهبان در میدان و فضاهای عمومی^{۷۷}، بخشی از اقدامات عملی نوین در قالب دیده‌بانی و نظارت‌های غیر مستقیم پلیسی^{۷۸} برای مدیریت بهتر و نظارت بیشتر بر فضا است (ibid). از سوی دیگر، به دنبال شناسا شدن و اثرگذاری ویژگی‌هایی از مکان همانند تمرکزپذیری جرم در مکان‌هایی خاص، عملیات پلیسی نیز متمایل به تمرکز در نظارت بر طیف نسبتاً محدودی از مکان‌ها در عملیات پلیسی مکان‌محور^{۷۹} (Weisburd & Telep, 2010, 14) و فرایند پیشگیری مکان‌محور^{۸۰} (Eck & Guerette, 2012, 167-168) شده است. شکل‌گیری مفاهیم مشابه در این زمینه همانند گشت‌زنی پلیسی حول نقاط داغ^{۸۱} و عملیات پلیسی حول این نقاط^{۸۲} نیز

(Farrington, 2009, 9) و یا «مراقبت‌کننده از مکان» و یا «کنترل‌کننده رفتار» در یک موقعیت معین (Clarke & Eck, 2005, 129) است. در تعریف عملیاتی دیگری نیز «مدیریت مکان»؛ یک مجموعه اقدام از فرایندهایی معرفی شده که در آن مالکان، کارکنان آن و دیگران، برای برقراری کارکردهای یک مکان به منظور «سازماندهی» محیط اجتماعی و فیزیکی یک موقعیت معین به کار می‌بندند (Madensen, 2007, 19). در این دوره بعد از حضور مفهوم و تکنیک پیشگیری مدیریت مکان، «مدل‌های عملیاتی» از مفهوم مدیریت مکان به‌صورت خاص و متمرکز بر مکان‌های هدف و نقاط داغ جرم همانند «مدل مادسن»^{۶۷} (Madensen, 2007) و یا مدل رابطه‌ای مکان (کلانتری، ۱۳۹۸، ۱۹۰-۱۹۱) متولد شده‌اند (جدول ۳).

• آراء، رویکردها و تکنیک‌های پلیسی در حوزه مکان و مدیریت مکان

از زاویه نگاهی دیگر، مفهوم «مکان» و رویکرد یا تکنیک «مدیریت مکان» بی‌ارتباط با عملیات پلیسی نیست. در واقع، یکی دیگر از حوزه‌های بسیار نزدیک دو مقوله تخصصی «مکان» و «مدیریت مکان»، به حوزه اجراییات امنیت عمومی و دستگاه غالب حاکم بر آن یعنی سازمان پلیس^{۶۸} و عملیات پلیسی^{۶۹} باز می‌گردد. هم‌چنین مابین رویکردهای «پیشگیری موقعیت‌محور» با «رویکردهای نوین پلیسی» نیز رابطه و مشابهت‌هایی وجود دارد. در این خصوص، علاوه بر تغییر در روش‌های پلیسی، برداشتها از امنیت نیز به تدریج با تحول روبه‌رو شده است. از این نظر، تکنیک «مدیریت مکان» با تغییرات نگاه به مفهوم «ذهنیت امنیت»^{۷۰} و با تغییر در نوع حکمرانی امنیت شهری و با تغییر نگاه از نقش عمده و تمام‌قد دولت به سوی حضور متکثر نیروهای سازنده امنیت و «حکمرانی شبکه‌ای» در قالب تداخلات دو حوزه پلیس عمومی و پلیس خصوصی برای اماکن خصوصی و عمومی کاملاً همسو است (Johnston & Shearing, 2003, 10, 17, 23).

جدول ۳. ابعاد نظری تکنیک مدیریت مکان در ادبیات نوین جرم‌شناسی مکان. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	ابعاد نظری مدیریت مکان (در جرم)	ردیف	ابعاد نظری مدیریت مکان (در جرم)
۱	پیشگیری محوری (Prevention Oriented)	۷	سازماندهی محوری (Organization Oriented)
۲	موقعیت‌محوری (Situational Oriented)	۸	تنظیم‌کنندگی (Regulation Oriented)
۳	محیط‌محوری (Crime Environment)	۹	مقیدکنندگی (Suppression Oriented)
۴	شراکت‌محوری (Partnership Oriented)	۱۰	واکنش‌محوری (Reaction Oriented)
۵	نظارت‌محوری (Surveillance Oriented)	۱۱	فعال‌کنندگی (Enabler Oriented)
۶	کنترل و مراقبت‌کنندگی (Control Oriented)	۱۲	ارتقاءدهندگی (Promotion Oriented)

از جرم و کاهش مشکلات ناشی از آن استناد شده است (Mazerolle & Ransley, 2006, 191, 198). در واقع، در این نوع از عملیات، مفهوم «شبکه‌های کنترل جرم»^{۹۰} وجود دارد (جدول ۴).

نتیجه‌گیری

مقوله جرم و ناامنی هم‌چنان یکی از چالش‌های بادوام در شهرهای کنونی است و در شهرهای آینده نیز بنابر شهری‌بودن غالب جمعیت آن هم‌چنان یکی از مقولات پراهمیت در حوزه سیاست شهری خواهد بود. ادبیات نظری جرم‌شناسی گویای مجموعه کوشش‌ها و تلاش‌های مختلف نظری برای بهبود و درک هر چه بیش‌تر رخداد جرم از زوایای مختلف است. در حوزه‌های غیر کالبدی، شکل‌گیری «جرم‌شناسی رشد‌مدار» و «پیشگیری‌های جامعه‌محور» نمونه‌هایی از این پیشرفت‌ها و چرخش‌ها هستند. در حوزه کالبدی نیز، به موازات فاصله‌گرفتن از ایده آزادی کامل مجرمان از هرگونه محدودیت و تردید در همسان‌بودن شرایط سازنده انواع جرایم برای انواع مهاجمان، دانش‌های شکل‌گرفته در حوزه جرم‌شناسی رشد و غنای بیش‌تری یافته و این سیر نظری تاکنون ابعاد سه‌گانه کلان‌نگری، میانی‌نگری و خردنگری را طی کرده است. در ادبیات متأخر پنجاه سال اخیر و نگرش‌های اصلی کنونی؛ معیارها و مشخصه‌هایی همانند مکان و مدیریت آن نقش بسیار قابل توجهی را به‌دست آورده و حجم متون قابل توجهی را برای عمیق‌ترشدن شناخت از مکان به خود اختصاص داده‌اند. به‌طوری‌که هم‌اکنون ابعاد تحلیل جرایم شهری از زاویه و منظر مکان‌های خرد، غالب‌ترین شکل تجزیه و تحلیل جرایم و پیشگیری از جرایم در سطح ادبیات جهانی است. در قرائت نوین از مفهوم مکان، مکان فوق‌العاده برجسته شده و هم‌زمان در سطح «مفهوم»، «سودمندی» و «دانش» رشد قابل توجهی در سطح ادبیات جهانی داشته است. مفهوم مدیریت مکان نیز برآمده از همین تحولات رشدیافته در حوزه پیشگیری مکان‌محور از جرایم است. با این وجود و

در این راستا است (Weisburd & Braga, 2006, 225). بر این مبنا، مفهوم و ابعاد «مکان» جای پای خود را با ابعاد نوین پلیسی نیز باز کرده و به دنبال انواع روش‌های پلیسی مکان‌محور، ابعاد نوین پلیسی^{۸۳} همانند پلیس بخش سوم^{۸۴} و یا پلیس اجتماعی‌محور^{۸۵} به شکل شراکت پلیسی^{۸۶} و با حضور عناصر مشارکت و شراکت نیروهای غیر از پلیس مثل اعضاء یک اجتماع و سازمان‌های مدنی شروع به تولد کرده‌اند (Mazerolle & Buerger & Mazerolle, 1998); (Skogan, 2006, 28-34); (Ransley, 2005, 42). هم‌چنین، به دنبال فاصله‌گیری مجموعه اقدامات پلیسی از رویکردهایی نظیر گشت‌زنی موردی پلیس، جست‌وجو و دستگیری، عملیات و پاسخ سریع (Braga & Weisburd, 2006, 146) و روی‌آوری به الگوهای جدیدتر و ریزمقیاسی تحت عنوان عملیات پلیسی مشکل‌محور^{۸۷}؛ چارچوب نوآورانه‌تر مدل "I^۵" به نسبت «مدل سارا»^{۸۸}، نشانگر حضور عامل مشارکت عملی و تمایل پلیس برای مشارکت‌دهی و درگیرسازی بیش‌تر گروه‌های غیر از پلیس برای کنترل جرایم است (Scott et Schneider, 2011, 83-101); (al., 2008, 236, 374). در واقع، در «عملیات پلیسی مشکل‌محور» نوعی نیاز به سطوحی از شراکت^{۸۹} به مجموعه نیروهای بیرونی (بیرون از ساختار پلیس)، بنابر توزیع عوامل متعدد در پدیده جرم و پخشایش شکل‌دهندگی و کنترل‌کنندگی جرم در میان سایر بازیگران و نهادها در جهت کنترل مؤثرتر جرم وجود دارد (ibid). بر این مبنا و مطابق تحلیل‌های صورت‌گرفته، ارتباط کاملاً محسوسی مابین شخص سوم در «پلیس بخش سوم» و مقوله «مدیر مکان» و «مدیریت مکان در جرایم» وجود دارد. در تعریف «پلیس بخش سوم» نیز به‌عنوان بخشی از تغییراتی بزرگ در نوع قانون‌گذاری؛ به مجموعه تلاش‌های پلیس در جهت اقناع و یا وادارسازی مجموعه نهادهای بنگاه‌های مساکن عمومی و یا افراد غیر سازمانی همانند پدران و مادران، مالکان دارایی‌ها، مالکان میکده‌ها و مشروب‌خانه‌ها، مالکان فروشگاه‌ها، جهت پذیرش مسئولیت توأم با آموزش در بخشی از فرایند پیشگیری

جدول ۴. مفاهیم شبکه‌ای استخراج‌شده در رویکردها و تکنیک‌های نوین پلیسی مکان‌محور. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	شبکه مفهومی مکان و عملیات پلیسی	ردیف	شبکه مفهومی مکان و عملیات پلیسی
۱	ذهنیت امنیت (Mentality of Security)	۵	عملیات پلیسی نقاط داغ (Hot-Spot Policing)
۲	رویکردهای نوین پلیسی (Police innovation)	۶	شراکت پلیسی (Police Partnerships)
۳	عملیات پلیسی مشکل‌محور (Problem-Oriented Policing)	۷	پلیس بخش سوم (Third-Party Policing)
۴	عملیات پلیسی مکان‌محور (Place-Based Policing)	۸	شبکه‌های کنترل جرم (Crime Control Nodes)

ضمن طبقه‌بندی و تجمیع تمامی این یافته‌های نظری، با عبور از نگاه‌های پراکنده، زمینه‌های آغازین برای شناخت نظری بیش‌تر این دستگاه فکری و بسط عملیاتی از این مفاهیم همانند به‌کارگیری «پردازش نوین مکانی» در جرم‌شناسی و «آگاهی‌های نوین فضایی» نزد شهروندان و قرائت‌های نوین مکان‌محور از آن برای مباحث و استدلال‌های جدیدتری با این رویکرد را به‌ویژه در داخل کشور فراهم کرده است (جدول ۵).

پی‌نوشت‌ها

۱. Urban Policy
۲. Paul and Patricia Brantingham's
۳. classical perspective
۴. Positivist School
۵. The Target
۶. The Place
۷. Environmental criminology
۸. Free Will
۹. ubiquitous opportunities for crime
۱۰. New Criminology
۱۱. Chicago school
۱۲. New Model for Policing
۱۳. Crime Prevention Models
۱۴. Element, Actor
۱۵. Macro
۱۶. Meso
۱۷. Place
۱۸. Immediate Environments
۱۹. Crime Events Causes
۲۰. Crime Settings
۲۱. Particular Places
۲۲. Micro Level
۲۳. Physical Features
۲۴. The Assumption of Intractability of crime
۲۵. Policing
۲۶. Micro-Urban Environments
۲۷. Crime Pattern Theory
۲۸. Hot Spots theory
۲۹. Lawrence Sherman
۳۰. Clustered Places
۳۱. Place Manager
۳۲. Routine Activity Theory
۳۳. crime triangle
۳۴. Place Features
۳۵. Facilities Types
۳۶. clustering of place
۳۷. Place Management
۳۸. The Law of Crime Concentration
۳۹. Risky Facilities
۴۰. John E. Eck
۴۱. Super Controllers
۴۲. Micro Place
۴۳. Criminology of Place
۴۴. Micro level
۴۵. Pooled Places
۴۶. Proximal Places
۴۷. Street Segments
۴۸. Proprietary Places

علی‌رغم این جهش فوق‌العاده در این حوزه، خلاءهای نظری محسوسی در بین متون داخل کشور وجود دارد و به نوعی شکاف نظری در بین این متون دیده می‌شود. این مطالعه این شکاف را از طریق یک مطالعه پژوهشی با روش‌های متداول اسنادی و منابع کتابخانه‌ای پر کرده است. این شکاف از سو ناظر بر وجود رویکردهای محبوب میانی مقیاس و متون کاربردی در تحلیل جرایم شهری در ایران است و از سوی دیگر ناظر بر ناشناخته‌بودن مفاهیم محوری مطالعه یعنی دو مفهوم مکان و مدیریت مکان است. در واقع، سطح دانش موجود کشور در این دو حوزه تنها بسندگی به مجموعه آراء و نظریه‌های عام جرم‌شناسی محیطی داشته و هنوز آراء خاص جرم‌شناسی محیطی با نقش محوری «جرم‌شناسی مکانی» حتی به‌صورت اولیه نیز مورد معرفی قرار نگرفته است. حکم تحقیق در این حوزه، نه‌تنها بر این ادعا تمرکز داشته بلکه به کمک راهبرد تحلیل اسنادی، مطالعات موجود در حوزه مفهوم مکان و منابع محدود حول مفهوم مدیریت مکان را به کمک آن راهبرد، استخراج و طبقه‌بندی کرده و همچنین شبکه معنایی مفهومی مستتر در آراء نوین جرم‌شناسی را در قالب یک نظام فکری و صحیح معرفتی برای نخستین بار معرفی کرده است. یافته‌های تحقیق در این زمینه گویای آن است که در سطح مفهومی، مکان و مدیریت مکان هر کدام برخوردار از یک شبکه مفهوم نظری بوده و در سطح عینی نیز بنابر کاربردی‌بودن و نقش فوق‌العاده مکان و مدیریت آن در برآورد رخداد، پیش‌بینی و پیشگیری از جرم، رشد سودمندی را تجربه کرده است. در واقع نوعی «رشد مفهومی» پیش‌زمینه رشد دانشی این مفاهیم شده است. برخورداری از این دو سطح از رشد، به رشد سودمندی و عینیت‌پذیرشدن مفاهیم مکان و مدیریت مکان در عرصه زندگی روزمره نیز بازتاب داده است. این شبکه مفاهیم متولدشده در رویگشت جدید جرم‌شناسی مکانی در هر سه زیرحوزه بسط‌یافته مفهومی، دانشی و فایده‌مداری کاملاً با یکدیگر در ارتباط بوده و رشد یک مفهوم در یک زیرحوزه، موجب تولد و نیز رشد مفهومی دیگر در زیرحوزه‌های دیگر شده و در این‌جا یک خوانش واحد از این مفاهیم برای واکاوی و شناخت و تعمق مورد نیاز است که در این پژوهش بدان پرداخته شده است. از سوی دیگر، علاوه بر ابعاد واکاوی‌شده مکان و تدقیق شبکه مفهومی-معنایی و شبکه عینی حضور «مکان» در فضا، پژوهش به واکاوی مجموعه تعاریف و برداشت‌های ممکن و مستتر در مفهوم «مدیریت مکان» نیز پرداخته و آن را شناسایی کرده است. رشد دانشی در این دو زمینه حداقل در سه منظر نظریه‌های جرم‌شناسی مکان، نظریه‌های پیشگیری از جرم و نیز حوزه عملیات پلیسی ردیابی شده است. در مجموع، این پژوهش،

جدول ۵. مفاهیم شبکه‌ای تجمیع‌شده رویکرد نوین جرم‌شناسی مکانی به تفکیک زمان تولد. مأخذ: نگارندگان.

ردیف	دوره زمانی	نمونه متون	مفهوم ابداع‌شده و درجه تمرکز متون	معادل فارسی	مقیاس تحلیلی
۱	۱۹۷۰-۱۹۲۰	Chicago School Burgess (1916) Shaw & McKay (1942)	Aggregate-level Places	مکان‌های میانی مقیاس مثل محله و واحد همسایگی	میانی
۲	۱۹۸۰-۱۹۷۰	Brantingham & Brantingham (1975) Bottoms & Wiles (2002)	Environmental Criminology Revisiting Place Role Particular Places	جرم‌شناسی محیطی نقش مکان در جرم مکان‌های معین در جرم	میانی
۳	۱۹۹۰-۱۹۸۰	Sherman et al. (1989)	Hot Spots Clustered Places	نقاط داغ جرم مکان‌های خوشه‌ای	میانی و خرد
۴	۲۰۰۰-۱۹۹۰	Bottoms & Wiles (1992) Eck (1994) Felson (1995) Mant (1998) Johnston & Shearing (2003)	Relation of crime and place Place Concept Place Entity Place Manager Place Management Concept Mentality of Security	روابط جرم مکان مفهوم مکان مدیر مکان ماهیت مدیر مکان مفهوم مدیریت مکان ذهنیت امنیت	خرد
۵	۲۰۱۰-۲۰۰۰	Cornish & Clarke (2003) Weisburd et al (2004) Clarke & Eck (2005) Mazerolle & Ransley (2005) Weisburd & Braga (2006) Eck et al. (2007) Madensen (2007) Sampson, Eck, Dunham (2010) Weisburd & Telep (2010) Weisburd et al. (2012)	Place management Concept Law of Crime Concentra- tions Third-Party Policing Police Partnerships Crime Control Nodes Hot-Spot Policing Eck's Crime Triangle Place Management Model Place-Based Policing Place Conceptual Network	مفهوم مدیریت مکان تمرکزپذیری مکانی جرم مثلث دو لایه‌ای جرم پلیس بخش سوم شراکت پلیسی شبکه‌های کنترل جرم عملیات پلیسی نقاط داغ تأسیسات ریسکی مدل عملیاتی مدیریت مکان مثلث سه لایه‌ای جرم شبکه مفهومی مکان عملیات پلیسی مکان‌محور جرم‌شناسی مکان	خرد
۶	۲۰۲۰-۲۰۱۰	Payne (2010) Hoke (2013) Weisburd et al. (2012) Eck & Guerette (2012) Madensen & Eck (2013) Weisburd (2015)	Place Management Concept Criminology of Place Place Concept Model Place Conceptual Network Place Conceptual Network Law of Crime Concentrations	مدل عملیاتی مدیریت مکان ویژگی‌های مکان جرم‌شناسی مکان شبکه مفهومی مکان شبکه عینی مکان تمرکزپذیری مکانی جرم	خرد

- | | |
|----------------------------------|--|
| Clarke .۵۹ | Crime Sites .۴۹ |
| Situational Crime Prevention .۶۰ | Convergent Settings .۵۰ |
| Surveillance .۶۱ | Comfort Spaces .۵۱ |
| The Stadswacht .۶۲ | Corrupting Spots .۵۲ |
| Neighborhood Watch .۶۳ | Crime Place Networks .۵۳ |
| Preventative Partnerships .۶۴ | Mixed Use Places .۵۴ |
| Own the Place Prevention .۶۵ | Crime Prevention Through Social Development .۵۵ |
| Own the Crime Prevention .۶۶ | Community, or Locally-Based Crime Prevention .۵۶ |
| Madensen Model .۶۷ | Situational Crime Prevention .۵۷ |
| Police .۶۸ | Reintegration programmes .۵۸ |

- کلانتری، میترا. (۱۳۹۸). تبیین اثرات مدیریت مکان بر امنیت فضاهای عمومی شهری در کلان‌شهر تهران (پایان‌نامه منتشر نشده دکتری شهرسازی). دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، دانشکده فنی و مهندسی.
- کلانتری، میترا، شیعه، اسماعیل، رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۹). الگوی رابطه‌ای مدیریت مکان-جرم به‌عنوان رهیافتی روش‌شناختی در جرایم شهری. *دانش انتظامی*، ۲۲ (۴)، ۶۷-۲۵.
- کلانتری، میترا؛ شیعه، اسماعیل و رفیعیان، مجتبی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای جرایم مکان‌محور شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۸ خورشیدی، مطالعه موردی: محله‌های نارمک، نازی‌آباد و پونک. هفت حصار، ۱۰ (۳۵)، ۶۸-۴۷.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹). *حقوق جزای عمومی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مقیمی، مهدی (۱۳۹۶). بررسی نقش مکان در ایجاد موقعیت جرم؛ تدوین و تنظیم تدابیر و راه‌کارهای مکان‌محور برای پیش‌گیری وضعی از جرم. *فصلنامه انتظام اجتماعی*، ۸ (۲۱)، ۱۵۵-۱۸۶.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین و گلدوزیان، حسین (۱۳۹۷). جرم‌شناسی پست‌مدرن و رویکرد آن به جرم و علت‌شناسی جنایی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶ (۲۳)، ۴۶-۹.
- Amemiya, M. & Ohya, T. (2019). Toward a test of the "Law of Crime Concentration" in Japanese cities: a geographical crime analysis in Tokyo and Osaka. *Crime Sci*, 8 (11), 1-6.
- Bannister, J., O'Sullivan, A. & Bates, E. (2019). Place and time in the Criminology of Place. *Theoretical Criminology*, 23 (3), 315-332.
- Benson, M. L., Madensen, T. D. & Eck, J. E. (2009). "White-Collar Crime from an Opportunity Perspective", In Simpson, S.S., Weisburd, D. (Eds). *The Criminology of White-Collar Crime*, NY: Springer Science+Business Media, LLC, 175-193.
- Bichler, G., Schmerler, K. & Enriquez, J. (2013). "Curbing Nuisance Motels: An Evaluation of Police as Place Regulators". *policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, 36 (2), 437 - 462.
- Boba Santos, R. (2017). *Crime Analysis with Crime Mapping*. SAGE Publications, Inc.
- Boba Santos, R. & Santos, R. (2014). "Theft at Construction Sites". In Bruinsma, G., Weisburd, D. (Eds) *.Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. New York: Springer Science+Business.
- Bottoms, A. E., Wiles, P. (1992). "Explanations of Crime and Place", In Evans, D.J., Fyfe, N.R., Herbert, D.T. (Eds). *Crime, Policing and Place Essays in Environmental Criminology*, NY: Rutledge.
- Bottoms, A. E. & Wiles, W. (2002). *Environmental criminology*. In M. Maguire, R. Morgan, & R. Reiner (Eds.), *Oxford Handbook of Criminology*. Oxford: Oxford

- ۶۹. Policing
- ۷۰. Mentality of Security
- ۷۱. New Model for Policing
- ۷۲. Crime Prevention Models
- ۷۳. Partnership
- ۷۴. Community Safety Partnerships
- ۷۵. Local Community
- ۷۶. Street Wardens
- ۷۷. Square Wardens
- ۷۸. Policing
- ۷۹. Place-Based Policing
- ۸۰. Place-based Prevention
- ۸۱. Hot Spots Patrol
- ۸۲. Hot-Spot Policing
- ۸۳. New Model for Policing
- ۸۴. Third-Party Policing
- ۸۵. Community Policing
- ۸۶. Police Partnerships
- ۸۷. Problem-Oriented Policing
- ۸۸. SARA Model
- ۸۹. Partnership
- ۹۰. Crime Control Nodes

فهرست منابع

- احمدآبادی، زهره، صالحی هیکویی، مریم و احمدآبادی، علی. (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران. *رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۷)، ۲۷۵-۲۵۳.
- افراسیابی، علی (۱۳۹۰). از طبقه‌بندی بزه‌کاران تا طبقه‌بندی تکنیک‌های پیشگیری وضعی از جرم. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۶ (۲۰)، ۱۲۸-۹۹.
- افراسیابی، علی و یاراحمدی، مسعود. (۱۳۹۱). بررسی راهبردهای طراحی و مدیریت مکان برای پیشگیری وضعی از جرم. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۷ (۲۴)، ۱۸۴-۱۵۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی. *راهبرد فرهنگ*، ۸ (۲۹)، ۶۱-۹۱.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- عارفی، مهیار. (۱۳۸۰). به سوی رویکرد دارایی-مبنا برای توسعه اجتماع محلی (ترجمه نوین تولایی). *هنرهای زیبا*، ۱۰ (۱)، ۳۳-۲۲.
- عسکری، محسن و رجبی، آزیتا. (۱۳۹۵). تحلیلی بر ارتقای امنیت فضاهای شهری به کمک سیاست مکان‌محور محیط از محیط، مطالعه موردی: محله‌های لشکر شرقی و لشکر غربی منطقه ۸ تهران. *مطالعات پیشگیری از جرم*، ۱۱ (۳۸)، ۱۲۲-۸۶.
- علیوردی‌نیا، اکبر و علیمردانی، منا. (۱۳۹۶). کاربست تجربی نظریه فعالیت‌های روزمره در بررسی رفتارهای انحرافی دانشجویان جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸ (۳)، ۲۴-۱.
- کاشانی‌جو، خشایار. (۱۳۸۹). بازشناخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری. *هویت شهر*، ۴ (۶)، ۱۰۶-۹۵.
- کارکین، آلن. (۱۳۹۷). *سیاست‌های شهری: رویکردی انتقادی* (ترجمه عارف اقوامی‌مقدم). تهران: آذرخش.

University Press.

- Braga, A. A., Weisburd, D. (2006). Critic: Problem-oriented policing: the Disconnect between principles and practice, In Weisburd, D., Braga, A. A. (Eds). *Police Innovation Contrasting Perspectives*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Brantingham, P. J. & Brantingham, P. L. (1975). The spatial patterning of burglary, *Howard Journal of Penology and Crime Prevention*, (14), 11–24.
- Brantingham, P. L. & Brantingham, P. J. (1993). “Nodes, paths and edges: considerations on the complexity of crime and the physical environment”, *Journal of Environmental Psychology* 13, 3–28.
- Buerger, M. E. & Mazerolle, L. G. (1998). Third-party policing: A theoretical analysis of an emerging trend. *Justice Quarterly*, 15 (2), 301–328.
- Burgess, E. W. (1916). Juvenile delinquency in a small city. *Journal of the American Institute of Criminal Law and Criminology*, (6), 724–728.
- Carmona, M., de Magalhães, C. & Hammond, L. (2008). “Public Space, The management dimension. New York: Routledge.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S. (2003). *Public Spaces - Urban Places*. New York: Architectural Press.
- Carrabine, E., Cox, P., Lee, M., Plummer, K. & South, N. (2009). *Criminology: A Sociological Introduction*. New York: Routledge.
- Carter, R. L. & Hill, K. Q. (1979). *The Criminal’s Image of the City*, Pergamon Policy Studies on Crime and Justice, New York: Pergamon Press.
- Clarke, R. V. & Eck, J. E. (2005). “Crime Analysis For Problem Solvers In 60 Small Steps, Center for Problem-Oriented Policing”, U.S. Department of Justice, Office of Community Oriented Policing Services.
- Clarke, R. V. G. (1980). Situational crime prevention: theory and practice. *British Journal of Criminology*, (20), 449-460.
- Cornish, D. B. & Clarke, R. V. (2003). Opportunities, Precipitators and Criminal Decisions: A Reply to Wortley’s Critique of Situational Crime Prevention. *Crime Prevention Studies*, (16), 41-96.
- Creswell, J. W. (2014). *Research Design Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches* (4th Ed), Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Eck, J. E. & Guerette, R. T. (2012). “Own the Place, Own the Crime” Prevention, How Evidence about Place-Based Crime Shifts the Burden of Prevention” In Loeber, R. Welsh, B.C. (Eds). *The Future of Criminology*, New York: Oxford University Press.
- Eck, J. E. & Weisburd, D. (1995). “Crime Places in Crime Theory”. In: Eck JE, Weisburd, D, (Eds). *Crime and place, vol 4. The Police Executive Research Forum*, Washington, DC, 1–34.
- Eck, J. E. (1994). *Drug markets and drug places: a case-control study of the spatial structure of Illicit drug dealing*, Unpublished Ph.D. dissertation, University of Maryland, College Park.
- Eck, J. E. (2015). Who Should Prevent Crime at Places? The Advantages of Regulating Place Managers and Challenges to Police Services, *Policing*, 9 (3), 223–233.
- Eck, J. E., Clarke, R. V. & Guerette, R. T. (2007). “Risky Facilities: Crime Concentration in Homogeneous Sets of Establishments and Facilities”. *Crime Prevention Studies*, (21), 225–264.
- Ekblom, P. (2011). *Crime Prevention, Security and Community Safety Using the 5Is Framework*. New York: Palgrave Macmillan.
- Emsley, C. (2005). *Crime and Society in England 1750–1900*. Harlow: Pearson Education Limited.
- Felson, M. (1995). *Those who discourage crime*. In J. E. Eck & D. Weisburd (Eds.), *Crime and place* Monsey, New York: Criminal Justice Press.
- Garland, D. (2001). *The Culture of Control, Crime and Social Order in Conterriorary Society*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Gilling, D. (2005). *Crime Prevention: Theory, Policy and Politics*. London: Routledge.
- Graham, C. & Clarke, J. (1996). ”Dangerous Places: Crime and the City”, In Mucie, J., McLaughlin. E. (eds.) (1996). *The problem of crime*, London: sage Publishers Ltd.
- Groff, E. R., Weisburd, D. & Yang, S. M. (2010). Is it Important to Examine Crime Trends at a Local “Micro” Level? A Longitudinal Analysis of Street to Street Variability in Crime Trajectories. *J Quant Criminol*, (26), 7-32.
- Herold, M., Biehl, R. & Madensen, T. D. (2017). *Understanding Crime-Place Networks, 27th Annual Problem-Oriented Policing Conference*, October 2-4, Houston, Texas.
- Hillier, B. & Ozlem. S. (2012). “Safety in Numbers: High-Resolution Analysis of Crime in Street Networks” In Vania Ceccato (Eds). *The Urban Fabric of Crime and Fear*, Dordrecht: Springer.
- Hitchcock, A. (1960). “PSYCHO”, a Police Movie, Directed by ALFRED HITCHCOCK, SHAMLEY Production.
- Hoke, S. A. (2013). *Place Management in a Correctional*

Setting, (Unpublished Ph.D. Thesis). Temple University Graduate Board.

- Johnston, J. & Shearing, C. (2003). *Governing Security, Exploration in Policing and Justice*. London: Routledge.
- Kikuchi, G. (2010). *Neighborhood Structures and Crime, A Spatial Analysis*. LFB Scholarly Publishing LLC, El Paso.
- Lee, M., Herborn, P. (2003). "The Role of Place Management in Crime Prevention: Some Reflections on Governmentality and Government Strategies". *Current Issues in Criminal Justice*, 15(1), 26-39.
- Loukaitou-Sideris, A. (2012). *Safe on the move: The importance of the built environment*. In V. Ceccato (Ed.), *The urban fabric of crime and fear* (pp. 85-110). Netherlands: Springer.
- Madensen, T. D. & Eck, J. E. (2013). "Crime places and place management", In Cullen, F.T. and Wilcox, P. (Eds). *The Oxford handbook of criminological theory*, New York: Oxford University Press.
- Madensen, T. D. (2007). *Bar Management and Crime: Toward a Dynamic Theory of Place Management and Crime Hotspots*. Unpublished Ph.D. Thesis. Cincinnati, OH: University of Cincinnati.
- Mant, J. (1998). *Place management: why it works and how to do it*. SYDNEY VISION, UTS Papers in Planning , 3(13)..
- Mazerolle, L. & Ransley, J. (2006). Advocate: "The case for third-party policing", In Weisburd, D., Braga, A.A. (Eds). *Police Innovation Contrasting Perspectives*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mazerolle, L., Ransley, J. (2005). *Third Party Policing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mucie. J. & McLaughlin. E. (1996)."Introduction", In Mucie. J., McLaughlin. E. (Eds). *The problem of crime*, London: sage Publishers Ltd.
- Mucie, J. (1996)."The Construction and Deconstruction of Crime", In Mucie. J., McLaughlin. E. (eds.) (1996). *The problem of crime*, London: sage Publishers Ltd.
- National Crime Prevention Institute, NCPI (2001). *Understanding Crime Prevention*. Woburn: Butterworth-Heinemann.
- Paulsen, D. J. (2013). *Crime and Planning Building Socially Sustainable Communities*. Boca Raton: CRC Press.
- Payne, T. C. (2010). *Does Changing Ownership Change Crime? An Analysis of Apartment Ownership and Crime in Cincinnati*, Unpublished Ph.D. Thesis. Cincinnati, OH: University of Cincinnati.
- Sampson, R., Eck, J. E. & Dunham, J. (2010). "Super Controllers and Crime Prevention: A Routine Activity Explanation of Crime Prevention Success and Failure".

Security Journal, 23 (1), 37-51.

- Schneider, S. (2015). *Crime Prevention, Theory and Practice*. London: Taylor & Francis Group: Crc Press.
- Scott, M., Eck, J., Knutsson, J. & Goldstein, H. (2008). Problem-oriented policing and environmental criminology, In Wortley, R., Mazerolle, L. (Eds). *Environmental Criminology and Crime Analysis*, Devon: Willan Publishing.
- Shaw, C. R. & McKay, H. D. (1942). *Juvenile delinquency and urban areas: A study of rates of delinquency in relation to differential characteristics of local communities in American cities*. Chicago: University of Chicago Press.
- Sherman, L. W., Gartin, P. R. & Buerger, M. E. (1989). Hot spots of predatory crime: Routine activities and the criminology of place. *Criminology*, (27), 27-55.
- Sidebottom, A. & Wortley, R. (2016). "Environmental Criminology", In Piquero, A. R. (2016). *The Handbook of Criminological Theory*. West Sussex: John Wiley & Sons, Ltd.
- Skogan, W. G. (2006). Advocate: The promise of community policing, In Weisburd, D., Braga, A. A. (Eds). *Police Innovation Contrasting Perspectives*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Tilley, N. (2009). *Crime Prevention*. Devon: Willan Publishing.
- UNODC. (2010). *Handbook on the crime prevention guidelines making them work, United Nations Office on Drugs and Crime*, Criminal Justice Handbook Series, No. E.10.IV.9, United Nations Publication.
- Webster, C. (2006)."Forward", In Dijk, M.P.V. (2006). *Managing Cities in Developing Countries, the Theory and Practice of Urban Management*, Massachusetts: Edward Elgar Publishing.
- Weisburd D. & Telep C. W. (2010)."The efficiency of place based policing". *J Police Stud*, (17), 247-262.
- Weisburd, D. & Braga, A. A. (2006). Advocate: Hot spots policing as a model for police innovation, In Weisburd, D., Braga, A.A. (Eds). *Police Innovation Contrasting Perspectives*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Weisburd, D. & Telep, C. W. (2014). "Law of Crime Concentrations at Places", In Bruinsma, G., Weisburd, D. (Eds). *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*, New York: Springer Science+Business Media.
- Weisburd, D. (2015). The Law of Crime Concentration and the criminology of place. *Criminology*, 53 (2), 133-157.
- Weisburd, D., Bushway, S., Lum, C. & Yang, S. M. (2004). Trajectories of crime at places: A longitudinal study of street segments in the city of Seattle. *Criminology*, 42 (2), 283-321.
- Weisburd, D., Groff, E. R. & Yang, S. M. (2012).

The Criminology of Place, Street Segments and Our Understanding of the Crime Problem. NY: Oxford University Press.

• Welsh, B. C. & Farrington, D. P. (2009). *Making Public Places Safer; Surveillance and Crime Prevention.* NY:

Oxford University Press, Inc.

• Wilcox, P., Cullen, F. T. & Feldmeyer, B. (2018). *Communities and Crime, an Enduring American Challenge.* Pennsylvania: Temple University Press.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
بیابانی، مرتضی؛ بهزادپور، محمد؛ کلانتری، میترا و جلالی، محمدرضا. (۱۴۰۲). واکاوی نظری مفهوم مکان و مدیریت مکان در رهیافت نوین جرم‌شناسی مکانی. *باغ نظر*، ۲۰(۱۲۲)، ۸۱-۹۶.

DOI:10.22034/BAGH.2023.350104.5223
URL:https://www.bagh-sj.com/article_172741.html

